



جان کیری

## جنگ اول جهانی و ایرانی ویران شده

جنگ اول جهانی کمتر از ۲ هفته پس از تاجگذاری احمد شاه جوان آغاز شد. بلافاصله بعد از نواختن کوس جنگ، مستوفی الممالک - نخست‌وزیر وقت ایران - بی‌طرفی کامل کشور را اعلام کرد اما این اعلام کارگر نبود و دولت‌های درگیر در جنگ از هر سو وارد ایران شدند. روس‌های تزاری از انزلی تا اصفهان تازیدند. عثمانی‌ها از غرب تا همدان و سیسین از آنجا به سمت قفقاز و مرزهای روسیه رفتند.

روس‌ها در مرداد ۱۲۹۴

تا پشت دروازه‌های تهران جلو آمدند. پیشروی روس‌ها به سمت پایتخت موجب مهاجرت عده‌ای از نمایندگان مجلس از تهران و تعطیلی مجلس شد. احمدشاه در صدد انتقال پایتخت از تهران به اصفهان برآمد، وزیران مختار روس و انگلیس او را از اجرای این تصمیم بازداشتند. روس‌ها به قزوین عقب‌نشینی کردند.

بی‌ثبات‌ترین دوران سیاسی ایران نگاهستانه‌اند چه آنکه در آن مدت بعد از استعفای مستوفی الممالک؛ به ترتیب مشیرالدوله، سعدالدوله، عین‌الدوله، مستوفی‌الممالک و عبدالعسین میرزا فرمانفرما را به ریاست دولت منصوب شدند و سرانجام با استعفای فرمانفرما در دی ۱۲۹۴ (ژانویه ۱۹۱۶) احمد شاه، محمدرولی خان سپهسالار تنگبندی را با لقب سپهسالار اعظم، به رئیس‌الوزرای برگزید.<sup>(۱)</sup>

به‌رغم اعلام بی‌طرفی دولت ایران، نیروهای متخاصم از جنوب و شمال وارد ایران شدند. ارتش روسیه تزاری تا دروازه‌های تهران پیشروی کرد اما از منقرض کردن سلسله قاجار منصرف شدند. در جنوب نیز مردم محلی در چند نوبت با متجاوزان انگلیسی درگیر شدند که از مهم‌ترین نبردهای جنگ اول جهانی در ایران می‌توان به مقاومت دلبران تنگستان به رهبری رئیس‌علی دلواری، دشتستان و دشتی در استان بوشر و ناصر دیوان کارونی در فارس و نبرد چابدر در خوزستان اشاره کرد. با آنکه ایران از کانون اصلی جنگ یعنی اروپا فاصله زیادی داشت ولی به یکی از میدان‌های جنگ تبدیل شده بود.

ایران در آن زمان با انقلاب مشروطیت مرحله جدیدی از تاریخ خود را آغاز کرده بود. در این میان ۲ گروه افراد وجود داشتند؛ گروهی روحانیون مبارزی که تلاش داشتند تمامیت ارضی را حفظ کنند و اجانب را از کشور بیرون رانند و گروهی روشنفکر نمایانی که به یکی از گروه‌های غربی تمایل داشتند و تلاششان را در محکم کردن میخ وابستگی و حضور استعمار گذاشته بودند.

روسیه و انگلستان نیز در خلال جنگ اول جهانی عملاً با انعقاد قراردادهایی ایران را به مناطق تحت نفوذ خود تبدیل کرده بودند و ورود نظامیان آنان به داخل کشور که غالباً با استناد به این قراردادها صورت می‌گرفت، سبب شده بود دولت مرکزی حتی در تهران، قدرتی نداشته باشد. یکی از این توافقنامه‌ها پیمان معروف ۱۹۱۵ بود که ۲۸ دی ۱۲۹۳ میان روسیه و انگلستان به امضا رسید. این پیمان که به فاصله ۸۰ روز پس از اعلام بی‌طرفی ایران در جنگ به امضای ۲ دولت مذکور رسید، قلمرو نفوذ ۲ کشور را در ایران بیش از آنچه در پیمان ۱۹۰۷ آنان مقرر شده بود،

## گزارشی از وعده‌های غرب به ایران در جریان جنگ‌های اول و دوم جهانی

# مهر و امضای غرب اعتبار ندارد!

امیرعلی جهانداد

سرخوردگی و خشم را در میان آلمان‌ها به وجود آورده بود. بحران اقتصادی ۱۹۲۹م- که در تاریخ آلمان هیچگاه اتفاقی نیفتاده بود به طوری که سوزاندن فرانک آلمان هزینه‌اش کمتر از خرید زغال سنگ با همان فرانک‌ها بود- بر شدت ضعف جناح میانه‌رو و قدرت‌گیری تندروهای ناسیونال‌سوسیالیست به رهبری هیتلر افزود به طوری که هیتلر توانست با تصویب رایش‌تاک، در سال ۱۹۳۳م قانون اساسی جمهوری وایمار را ملغی و دیکتاتوری خود را در آلمان برقرار سازد. با قدر‌تگیری هیتلر، سرکوب مخالفان در دستور کار قرار گرفت. قدرت روزافزون نیروهای نظامی آلمان با نوعی حمایت ضمنی جهان سرمایه‌داری - به خیال آنکه آلمان نازی کومنونسیم را از بین خواهد برد- همراه بود<sup>(۱)</sup> البته این تحلیل تا حدودی دور از ذهن هم به نظر نمی‌رسید چنانکه یکی از گروه‌هایی که بیشترین آسیب را بعد از روی کار آمدن هیتلر دید، اندیشمندان مکتب فرانکفورت بودند که از جمله نومار کسپیت‌ها به حساب می‌آمدند که با کشته شدن یا تبعید یا مشابه‌التر بنیامین از ترس خودکشی کردند.

این وضعیت باعث شد دوران صلح نیمه‌مسلمی (۱۹۳۸-۱۹۳۶م) ایجاد شود.<sup>(۲)</sup> دیری نپایید که هیتلر با «الحاق اتریش»، کشور گشایی‌اش را شروع کرد و بدین ترتیب جنگ دوم جهانی در اول سپتامبر ۱۹۳۹م میان آلمان و ایتالیا از یک سو و فرانسه و انگلستان از سوی دیگر آغاز شد و سایر کشورهای اروپایی نیز به استثنای سوئد، سوییس، اسپانیا، پرتغال و ترکیه، یکی پس از دیگری وارد جنگ شدند. سرانجام با حمله هیتلر به روسیه و نقض پیمان عدم تعرض در ژوئن ۱۹۴۱م روسیه نیز با نادیده انگاشتن سوسیالیسم، به فرانسه و انگلستان لیبرال پیوست.<sup>(۳)</sup>

مواقف ایران در قبال جنگ دوم جهانی دوباره به ایران بازمی‌گردیم، کشوری که بعد از جنگ اول بین‌الملل دیگر سلسله قاجار نداشت و روشنفکر نمایان که ادعای آزادی داشتند، رضاشاه دیکتاتور را به سلطنت نشاندند. این بار نیز ایران یک روز پس از شروع جنگ دوم جهانی (چهارم سپتامبر ۱۹۳۹م/۱۳۱۸ش) توسط «محمود چم»، نخست‌وزیر طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «در این موقع که متأسفانه جنگ در اروپا مشتعل گردیده است، دولت شاهنشاهی ایران، به موجب این بیانیه، تصمیم خود را به اطلاع عموم می‌رساند که در این کارزار بی‌طرف مانده و بی‌طرفی خود را محفوظ خواهد داشت».<sup>(۴)</sup>

آلمان و انگلستان از بیانیته کاج تهران استقبال کردند و به شاه تعهد دادند جنگ به این منطقه نخواهد آمد. انگلستان به دلیل درگیری‌اش در قزاق- نیروهای ایرانی تحت فرمان روس- را به وجود آوردند.<sup>(۵)</sup>



استفاد از «منافع ملی بریتانیا» درباره این نقض

منطقه نداشت. استدلال وزارت خارجه آلمان نیز از بی‌طرفی ایران چنین بود: «با توجه به پیوند نزدیک ترکیه با انگلستان و فرانسه چنین به نظر می‌آید که آنچه از لحاظ سیاسی اهمیت ویژه‌ای یافته، آن است که فعلاً به تقویت ایران در بی‌طرفی کاملش ادامه داده شود».<sup>(۶)</sup> دولت رضاشاه نیز با اعلام رضایت طرفین با اعتماد به عدم تجاوز آنها بویژه چرچیل، نخست وزیر انگلستان تلاش کرد خود را از مهلکه به دور دارد اما دیری نپایید که این تعهدات هم از سوی انگلستان نقض شد.

■ **اعتماد ایران به تعهد انگلستان برای عدم تعرض به کشور و نقض عهد چرچیل و همیملتیش**

شدند. این حادثه در کشاکش جنگ دوم جهانی رخ داد و این حمله حاصل سومین تبهانی روسیه و انگلیس بود که به زبان حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران شکل می‌گرفت.<sup>(۱)</sup> بهانه روس و انگلیس، وجود تعداد زیادی کارشناس آلمانی در ایران بود. دخالت نظامی شوروی و انگلستان در ایران متعاقب ۲ اوتیوماتوم مشترک روس و انگلیس در ۲۸ تیر و ۲۵ مرداد ۱۳۲۰ش راجع به حضور کارشناسان آلمانی به‌وقوع پیوست. این حمله همچنین به فاصله ۳ هفته قبل از تبعید رضاشاه - تبعید شاه یک کشور توسط سران کشوری دیگر - به خارج از کشور رخ داد. شهرهای بی‌دفاع شمال و جنوب کشور در جریان حمله هماهنگ و مشترک روس و انگلیس، شدیدا بمباران و نیروی دریایی ایران در خلیج فارس و دریای خزر ظرف چند ساعت مضمحل شد. فرمانده نیروی دریایی نیز در همان روز اول حمله کشته شد.<sup>(۲)</sup>

عصر روز سوم شهریور، هنگامی که نظامیان انگلیس و روسیه در شمال و جنوب خساک ایران در حال پیشروی بودند، علی منصور- نخست‌وزیر وقت- با مشاهده بحرانی بودن اوضاع، تصمیم به استعفا گرفت. در همان اوضاع رضاشاه طی تلگرافی به روزولت - رئیس‌جمهور آمریکا- در وی خواست با میانجیگری مانع پیشروی انگلیس و روسیه در داخل ایران شود اما دولت آمریکا این درخواست را رد کرد.<sup>(۳)</sup>

سفر امریکا در پاسخ به رضا شاه اعلام کرد: «هرگز منافع همپیمان استراتژیک خود- انگلستان- را کنار نگذاشته و به حمایت از شما در نخواهیم آمد.» اگر چه همین پاسخ را نیز زمانی داد که رضا شاه همه خواسته‌های روس و انگلیس را پذیرفته بود. نکته جالب توجه استدلال چرچیل برای نقض تعهد است که با استفاده از «منافع ملی بریتانیا» درباره این نقض پیمان می‌گوید: «اگرچه ما با ایرانی‌ها پیمان بسته بودیم، قرارداد داشتیم و طبق قرارداد نباید چنین کاری می‌کردیم ولی این معیارها در مقیاس‌های کوچک درست است. من نمی‌توانستم از «منافع بریتانیا کبیر» به‌عنوان اینکه این کار ضد اخلاق است چشم‌پوشی کنم و بگویم که ما با یک کشور دیگر پیمان بستیم و نقض پیمان بر خلاف اصول انسانیت است؛ این حرف‌ها مثل تمسک به انسانیت اساسی در مقیاس‌های کلی و در شعاع خیلی وسیع درست نیست».<sup>(۴)</sup>

۵ شهریور دولت از هم بازشنیده؛ به فروغی واگذار می‌شود و وی فردای آن روز در منزل خود با سفیران انگلیس و روسیه راجع به ترک مخاصمه و توقف جنگ، مذاکره کرد. جمع‌بندی فروغی از هدف انگلیس، تبعید رضاشاه بود فلذا فردای همان روز رضاشاه، همه اعضای خانواده‌اش - به استثنای محمدرضا پهلوی ولیعهد- را روانه اصفهان کرد و خود نیز روز دهم شهریور

تصمیم به استعفا را به اطلاع فروغی و اعضای کابینه‌اش رساند.<sup>(۵)</sup>

■ **کنفرانس سران متفقین در تهران بدون آنکه شاه ایران مطلع باشد!**

در فاصله روزهای ششم تا نهم آذر ۱۳۲۲ش، در بحبوحه جنگ دوم جهانی، تهران در جلسه‌ای غیرمنتظره، میزبان رهبران ۳ کشور متفقین یعنی «فرانکلین روزولت» رئیس‌جمهور آمریکا، «وینستون چرچیل» نخست‌وزیر انگلیس و «ژوزف استالین» رئیس‌جمهور شوروی بود. این ۳ کشور در سال‌های جنگ دوم جهانی ۳ کنفرانس مهم در تهران، یالتا و پوتسدام تشکیل دادند و در آنها ضمن طرح نقشه‌های جنگی و استراتژی نظامی خود، درباره شرایط بین‌المللی و اوضاع جهان بعد از پایان جنگ و همچنین تقسیم ممالک جهان به مناطق نفوذ، به توافق‌هایی رسیدند.<sup>(۶)</sup>

کنفرانس تهران در محل سفارت شوروی برگزار

شد و شاه نیز برای شرکت در کنفرانس ناگزیر بود به سفارت برود. در جریان کنفرانس، چرچیل و روزولت حاضر نشدند به دیدار شاه بروند و با وی تنها در محل سفارت دیدار کردند. دیدار استالین با شاه در کاخ مرمر نیز با تلاش و خواهش یکی از اطرافیان شاه به نام «محمدعلی سپهر» (مورخ‌الدوله) از مسؤلان سفارت شوروی صورت گرفت. علاوه بر این با وجود آنکه واشنگتن و لندن، پیشنهاد مسکو را برای تشکیل اجلاس رهبران آمریکا، انگلیس و شوروی در تهران پذیرفته بودند ولی به هیچ‌وجه دولت ایران را در جریان تصمیم خود برای تشکیل کنفرانس در تهران قرار ندادند. تنها در روز ورود رهبران متفقین، نخست‌وزیر ایران- علی سهیلی- در جریان قرار داده شد.<sup>(۷)</sup>

■ **تعهدات متفقین در کنفرانس تهران و نقض تعهد چند باره آنها**

کنفرانس به پایان رسید و ۳ کشور در اعلامیه پایانی خود استقلال و تمامیت ارضی ایران را نیز تضمین کردند و تعهد قبلی انگلستان و شوروی را درباره تخلیه ایران به فاصله ۶ ماه بعد از پایان جنگ مورد تأیید قرار دادند ولی امضاکنندگان این اعلامیه، چندان پایبندی به تعهد خود راجع به ایران نشان ندادند.<sup>(۸)</sup>

■ **پایان جنگ و عدم خروج اشغالگران**

جنگ جهانی به پایان رسید اما آنچه به پایان نرسید اشغال نیروهای استعمارگر در کشور بود. این نیروها

نه‌تنها از تخلیه کشور مبتنی بر تعهداتی که طی قرارداد تهران داده و امضا کرده بودند خودداری کردند، مشکلات دیگری را برای کشور به وجود آوردند و به روایت بسیاری از تحلیلگران، نقطه شروع استعمار نو و حضور مستشاران آمریکایی- انگلیسی از همین تاریخ است. ۳ ماه پس از آن امضا در اسفند ماه ۱۳۲۲ دو هیات انگلیسی و آمریکایی از جانب شرکت‌های نفتی شوکوونی - واکوپوم و سینکلر آمریکایی و شرکت رویال داچ‌شل انگلیسی - هلندی به تهران آمدند و هر دو تقاضای امتیاز نفت در نواحی جنوب شرقی ایران را کردند. مذاکرات و حتی حضور نمایندگان مزبور در تهران محرمانه نگاه داشته شده بود و جز چند تن از مقامات بلندپایه دولت کسی از مذاکرات -ساعت- نخست‌وزیر- با آنان اطلاعی نداشت. به این ترتیب روند حضور جاسوسان انگلیسی و آمریکایی در لباس مهندسان، تکنیسین‌ها و مشاوران و... افزایش یافت.

بی‌نوست‌ها:

۱- میروشنیکف. ایران در جنگ جهانی اول. ترجمه ع. دخانیاتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات فرانسه، ۱۳۵۷

۲- همان

۳- محمدقلی مجد، ترجمه محمد کریمی، بهار ۱۳۸۷؛ مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی

۴- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا؛ تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳، چاپ سوم، صص ۳۰۱ الی ۳۰۲

۵- همان؛ ص ۳۰۷

۶- همان؛ ۳۲۱

۷- ذوقی، ایرج؛ ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران، پازنگ، ۱۳۶۷، ص ۱۱

۸- همان؛ ص ۳۶

۹- آبراهامیان، یرواند؛ ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم نیرومند، مرکز، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸

۱۰- همان، ص ۱۶۰

۱۱- فوران، جان؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران (مقاومت شکننده)، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۸، ص ۴۹۰

۱۲- چرچیل، وینستون، «خطرات جنگ جهانی دوم» ترجمه توره فرازند، جلد ۴ ص ۲۵۶

۱۳- همان؛ ص ۴۹۴

۱۴- مدنی، جلال‌الدین؛ تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۴۹

۱۵- فیلی، اسدالله؛ روابط ایران و آمریکا، بررسی دیدگاه نخبگان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ایران، ۱۳۸۱، ص ۲۵

۱۶- همان، صص ۱۱۳ الی ۱۴۱

## شکست حمله نظامی آمریکا به ایران در طیس (۱۳۵۹ش)



آمریکا پس از سرخوردگی در جریان گروگانگیری جاسوسانش در سفارت این کشور از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و نایمیدی از پیروزی در این جریان به وسیله فشار سیاسی و تحریم اقتصادی، درصدد حل این قضیه از طریق نظامی برآمد. دولت کارت براساس نقشه‌های بسیار محرمانه جهت آزادی گروگان‌ها ۵ اردیبهشت سنال ۱۳۵۹ شمسی با تعدادی هواپیمای نظامی و ۲۰ هلی کوپتر، حمله خویش را به ایران تازه از بند رها شده، آغاز کرد. این هواپیماها و هلی کوپترها که حامل موتوسیکلت، جیب نظامی، توپ، مسلسل و مهمات لازم بودند، در صحرای طیس فرود آمدند تا از آن مکان، عملیات آزادسازی گروگان‌ها را آغاز کنند. با وجود تجهیزات فراوان، کماندهای ماهر و آموزش دیده، برنامه‌ریزی دقیق حمله، عدم وجود مانع و غفلت نیروهای اطلاعاتی ایران، این بار دست غیبی امداد الهی از آستین ش‌های صحرای طیس بیرون آمد و شکستی سخت و مفتضحانه را نصیب ابره‌صفتان آمریکایی کرد. ماجرای طیس یکی از رسواترین شکست‌های توطئه‌های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران است.

## سقوط آخرین دولت اسلامی اروپا در «غرناطه» (۱۴۹۲م)

پس از ظهور دین مبین اسلام و پی گسترش آن در نواحی غرب آسیا و شمال آفریقا، سپاهیان اسلام از طریق تنگه جبل‌الطراق وارد منطقه جنوب غربی اروپا شدند و این ناحیه به مدت ۸ قرن تحت نظر خلفای اسلامی قرار داشت. این ناحیه که امروزه کشور اسپانیا واقع شده است در آن زمان آندلس نامیده می‌شد. با گذشت زمان، مسیحیان اسپانیا به کمک دیگران زمینه ترویج فساد را در بین مسلمانان به وجود آوردند و سرزمین آندلس را از دست مسلمانان خارج کردند. در این هنگام عده بسیاری از مسلمانان از شهرهای اسپانیا به غرناطه آمدند و این شهر مدتی در اختیار آنان بود. در نهایت، این شهر به عنوان آخرین پایگاه اسلامی در اروپا ۲۵ آوریل سال ۱۴۹۲م در تصرف مسیحیان درآمد و به حکومت ۸۰۰ ساله مسلمانان در این منطقه پایان داده شد. دوران حاکمیت اسلام در این منطقه با شکوفایی علم و دانش همراه بود؛ علوم قرآنی و حدیث، فقه، علوم طبیعی و پزشکی، نجوم و ریاضیات، فلسفه و ادبیات جلوه‌هایی از بُعد علمی و فرهنگی مسلمانان در این منطقه به حساب می‌آمد. اگر چه در کنار علوم یاد شده، باید از معماری اسلامی یاد کرد که بقایای آن در اسپانیای امروز نشانه‌هایی از فکر بدیع و تلاش مسلمانان در نمایش دین اسلام در همه جهات زندگی است. سقوط دولت اسلام در آندلس ناشی از عواملی چند است که می‌توان از غفلت امرا و حکام جامعه اسلامی، عدم وحدت و یگانگی میان مسلمانان، تأثیرات گسترده تهاجم فرهنگی و برنامه‌ریزی و تلاش دشمنان اسلامی در بازپس‌گیری این قطعه از دنیای اسلام یاد کرد.

## محاصره برلین توسط شوروی در جنگ دوم جهانی (۱۴۴۵م)

در حالی که تمام مقاومت‌های نیروهای نازی در برابر متفقین با شکست مواجه می‌شد و جنگ دوم جهانی آخرین روزهای خود را پشت سر می‌گذاشت، در روز ۲۵ آوریل ۱۹۴۵م ارتش سرخ شوروی، برلین پایتخت آلمان را تحت محاصره گرفت و نیروهای شوروی پس از دور زدن برلین در غرب این شهر شروع به پیشروی کردند. ۲ روز بعد، نیروهای آمریکا و شوروی در مسیر حرکت خود در ۲ جهت مخالف، در قلب آلمان به هم پیوستند و نیروهای آلمان به ۲ قسمت تقسیم شدند. در این زمان قدرت مقاومت ارتش آلمان نازی به کلی در هم شکسته شد و سربازان آلمانی نه فقط به علت از دست دادن روحیه و احساس شکست، بلکه به خاطر نرسیدن مهمات و مواد غذایی دسته دسته تسلیم می‌شدند. همچنین وحدت فرماندهی از میان رفته و هیتلر کنترل خود را بر باقی‌مانده ارتش آلمان از دست داده بود. با تنگ‌تر شدن بلق محاصره برلین، دیگر تردیدی برای هیتلر باقی نمانده بود که مقاومت آخرین سربازان وفادار او هم تا چند روز دیگر به پایان خواهد رسید. با تصرف کامل برلین و خودکشی هیتلر، آلمان هم تسلیم متفقین شد و جنگ دوم جهانی نیز پایان یافت.